



این شماره تقدیم می‌شود به

شهید

مهدی زین الدین

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۳۶
شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵جبهه
انرژیکاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال

سرمقاله

تحلیلی بر پیامدهای ژئواکونومیک و حقوقی پس از آتش بس دوهفته‌ای

دکترین جدید تنگه هرمز و معمای امنیت عرضه

این جریان نقدینگی دوگانه، فرمولی طلایی برای دوران پساجنگ است. درآمدهای حاصله، نه تنها هزینه‌های تحمیل شده ناشی از تقابل نظامی را با سرعت بالایی جبران می‌کند، بلکه یک صندوق ثروت ملی قدرتمند برای بازسازی و توسعه زیرساخت‌های انرژی و صنعتی کشور فراهم می‌آورد.

جنگ اخیر ثابت کرد که در حقوق نفت و گاز بین‌الملل، قدرت واقعی تنها در لوله تفنگ نیست، بلکه در توانایی اعمال حاکمیت بر شریان‌های عرضه نهفته است. ایران با هوشمندی، پیروزی میدانی خود را به یک دستاورد پایدار حقوقی و اقتصادی تبدیل کرد. جهان امروز پذیرفته است که امنیت انرژی در خلیج فارس، کالایی رایگان نیست و بهای این امنیت و جریان پایدار طلای سیاه را باید به حافظ و حاکم اصلی این شاهراه، یعنی ایران، بپردازد. این یک تغییر پارادایم بی‌نظیر در تاریخ حقوق انرژی است. ♦

بی‌سابقه شد. در این اتمسفر اقتصادی، جهان تشنه نفت است. با بازگشایی مشروط تنگه (که اکنون به صورت هوشمند برای رقبا محدودتر و برای تجارت خود ایران کاملاً باز است)، تحریم‌های پیشین علیه صادرات نفت ایران عملاً بلاموضوع و فاقد ضمانت اجرای اقتصادی شده‌اند. نیاز مبرم پالایشگاه‌های جهانی به گریدهای نفتی ایران، باعث شده تا خریداران، عوارض وضع‌شده را نه به عنوان یک جریمه، بلکه به عنوان صرف ریسک امنیت عرضه بپذیرند.

از منظر اقتصاد سیاسی انرژی، ایران اکنون در یک موقعیت استثنایی قرار دارد. از یک سو، افزایش حجم صادرات نفت خام و میعانات گازی (به دلیل عطش بازار و رفع موانع عملیاتی صادرات خودی) و از سوی دیگر، جریان درآمدی جدید و پایدار حاصل از عوارض ترانزیتی کشتی‌های بین‌المللی، یک منبع عظیم تأمین مالی ایجاد کرده است.

ناوبری در شرایط پساجحان، رژیم حقوقی جدیدی را اعمال کرده است. شوک قیمتی ناشی از بسته شدن تنگه در طول جنگ، به مصرف‌کنندگان جهانی اثبات کرد که هزینه فقدان نفت خاورمیانه، بسیار سنگین‌تر از پرداخت عوارض ترانزیتی است. در معادلات اقتصاد انرژی، اکنون قیمت نهایی با یک متغیر جدید محاسبه می‌شود:

$$P_{\text{final}} = P_{\text{market}} + T_{\text{Hormuz}}$$

که در این معادله ریاضی-اقتصادی، T_{Hormuz} نشان‌دهنده همان عوارض حاکمیتی است که جهان به دلیل کشش‌ناپذیری شدید تقاضای انرژی در کوتاه‌مدت با رضایت ضمنی به پرداخت آن تن داده است. پذیرش این رویه از سوی جامعه جهانی، در حال خلق یک عرف بین‌المللی جدید به نفع هژمونی منطقه‌ای ایران است.

بسته شدن موقت تنگه در زمان جنگ، به مثابه یک کاتالیزور در بازار نفت عمل کرد. وحشت بازار از کمبود عرضه، باعث پرش قیمت‌ها به سطوح

♦ | با فروکش کردن التهابات نظامی و استقرار آتش‌بس موقت دوهفته‌ای در تقابل اخیر، بازار جهانی انرژی اکنون با یک واقعیت حقوقی و ژئوپلیتیک جدید روبرو شده است. در ادبیات حقوق نفت و گاز، همواره از تنگه هرمز به عنوان شریان حیاتی امنیت انرژی یاد می‌شود؛ اما جنگ اخیر و انسداد موقت این آبراهه، نقطه عطفی در تاریخ حقوق بین‌الملل دریاهای اقتصاد انرژی رقم زد. ایران در دوران پسادگریری، به جای اتکا صرف بر ابزارهای نظامی، به یک پیروزی استراتژیک در حوزه حقوق حاکمیتی و اقتصاد انرژی دست یافته است: عبور از عبور ترانزیت رایگان به عبور مشروط و مبتنی بر پرداخت عوارض عبور دریایی.

از منظر حقوق بین‌الملل، اخذ عوارض از کشتی‌های عبوری در تنگه‌های بین‌المللی عموماً با چالش‌های تفسیری در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مواجهه بوده است. با این حال، ایران با استناد به حق شرط‌های خود و همچنین دکترین حفاظت از محیط زیست دریایی و تأمین امنیت

اقتصاد سیاسی انرژی

در شرایط فعلی، استفاده از ظرفیت بانک‌های روسی و سازوکارهای تسویه یوآن-روبل می‌تواند بخشی از خلأ ایجادشده در نظام پرداخت خارجی ایران را جبران کند. چنین کانال‌هایی علاوه بر افزایش شفافیت، وابستگی به واسطه‌های مالی غیررسمی را کاهش داده و امکان مدیریت بهتر ریسک در معاملات بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

برای بخش انرژی، که به‌طور مستمر به واردات فناوری، تجهیزات و خدمات فنی وابسته است، وجود کانال‌های مالی قابل اتکا اهمیت راهبردی دارد. اگر زیرساخت‌های بانکی تقویت شود و مقاومت‌های نهادهی در برابر استفاده از مسیرهای رسمی کاهش یابد، محدودیت اخیر می‌تواند به نقطه عطفی برای اصلاح الگوی پرداخت خارجی و حرکت به سوی سازوکارهای پایدارتر در تجارت ایران تبدیل شود.

مسیر امارات در سال‌های اخیر به یکی از گلوگاه‌های اصلی انتقال مالی تجارت خارجی ایران تبدیل شده بود؛ مسیری غیررسمی اما کارآمد که بخش قابل توجهی از پرداخت‌های وارداتی، از کالاهای واسطه‌ای تا تجهیزات صنعتی و انرژی، از طریق آن تسویه می‌شد. اکنون با محدود شدن این کانال‌ها، یکی از مهم‌ترین شریان‌های مالی تجارت ایران با اختلال مواجه شده و فعالان اقتصادی ناگزیر به جست‌وجوی مسیرهای جایگزین شده‌اند.

این تحول در عین حال می‌تواند فرصتی برای بازگشت به ظرفیت‌هایی باشد که در شبکه بانکی رسمی ایجاد شده اما کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در سال‌های گذشته، بستریهایی برای تسویه مبادلات با ارزهای محلی از جمله روبل و یوآن میان ایران و برخی شرکای تجاری فراهم شد؛ سازوکاری که امکان انجام پرداخت‌های بانکی، گشایش اعتبار اسنادی (LC) و کاهش ریسک‌های عملیاتی را فراهم می‌کند.

اختلال در مسیر امارات؛ فرصتی برای بازگشت به کانال‌های رسمی پرداخت

تحلیل

در عین حال، گزینه‌های جایگزین برای دورزدن تنگه هرمز-از جمله خطوط لوله منطقه‌ای یا مسیرهای دریایی طولانی‌تر-از نظر اقتصادی چندان رقابتی نیستند، استفاده از این مسیرها می‌تواند هزینه حمل‌ونقل نفت را بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش دهد. به همین دلیل، علی‌رغم وجود گزینه‌های جایگزین، بخش عمده تجارت انرژی همچنان به عبور از هرمز وابسته باقی می‌ماند.

در مجموع، معادله هرمز نشان می‌دهد که کنترل یا مدیریت این گذرگاه نه تنها یک ابزار ژئوپلیتیکی، بلکه یک اهرم مهم در اقتصاد انرژی منطقه محسوب می‌شود؛ اهرمی که می‌تواند توازن هزینه و قدرت را در بازار جهانی نفت بازتعریف کند.

قیمت جهانی نفت نسبتاً محدود خواهد بود و تنها حدود ۰.۵ تا ۰.۴ دلار به قیمت هر بشکه می‌افزاید. در مقابل، بار اصلی این هزینه‌ها متوجه صادرکنندگان نفت خلیج فارس خواهد بود که برآورد می‌شود سالانه بین ۶ تا ۱۴ میلیارد دلار هزینه اضافی متحمل شوند. در چنین سناریویی، بازگشت بخش بزرگی از نفت خلیج فارس به بازار-حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی-می‌تواند حتی به کاهش فشار قیمتی در بازار جهانی کمک کند. از منظر اقتصاد جهانی، این مدل نوعی «تعادل قابل تحمل» ایجاد می‌کند؛ زیرا جریان تجارت انرژی حفظ می‌شود و بازار نفت از شوک عرضه شدید مصون می‌ماند.

تنگه هرمز همچنان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های ژئوپلیتیکی انرژی در جهان محسوب می‌شود؛ مسیری که حدود یک‌پنجم عرضه جهانی نفت از آن عبور می‌کند. در شرایطی که بحث اعمال عوارض یا محدودیت بر عبور نفتکش‌ها از این تنگه مطرح شده، برخی تحلیل‌های بین‌المللی نشان می‌دهد پیامدهای اقتصادی آن برای بازار جهانی نفت الزاماً شدید نخواهد بود، اما توزیع هزینه‌ها در میان بازیگران منطقه‌ای نامتقارن خواهد بود.

بر اساس تحلیل اندیشکده اروپایی بروگل، اگر هزینه عبور هر نفتکش از تنگه هرمز حدود دو میلیون دلار تعیین شود، اثر مستقیم آن بر



خبرخوان

● **آخرین وضعیت تنگه هرمز بعد از آتش بس؛ فقط ۶ کشتی عبور کردند**
طبق گزارش کیپلر، تنگه هرمز همچنان به روی کشتی‌ها بسته بوده و روز گذشته تنها ۶ کشتی آن هم مرتبط با ایران عبور کرده‌اند.

● **شبکه MSNOW: تسلط ایران بر تنگه هرمز از برنامه هسته‌ای آن با ارزش تراست**
ایران به سلاحی دست یافته که شکست طرح جنگی دولت ترامپ را آشکار می‌کند. این کشور با اعمال کنترل بر تنگه هرمز و دریافت عوارض از کشتی‌ها، نفوذ خود را بر تجارت جهانی را افزایش می‌دهد

● سی‌ان‌ان: علاوه بر کشورهای آسیایی، فرانسه و ایتالیا مستقیماً با ایران در حال مذاکره هستند تا مجوز عبور کشتی‌هایشان از تنگه هرمز را از ایران بدهند.

● **اقتصاد جهانی در شوک انسداد تنگه هرمز!**
شبکه آر تی: حتی پایان جنگ و بازگشایی تنگه هرمز نیز برای احیای اقتصاد کشورهای اروپایی کافی نخواهد بود.